



نشرکات نامہ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه : ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰-۶۳۸ ق.
- عنوان مشترک قراردادی : *نصوص الحکم*، فارسی-عربی.
- عنوان و نام پدیدآور : *نصوص الحکم* / ابن عربی؛ درآمد، برگردان متن، توضیح و تحلیل محمد علی موحد و صمد موحد.
- مشخصات نشر : تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۵.
- فروست : کارنامه فلسفه و عرفان؛ ۲.
- مشخصات ظاهری : ۷۶۵ ص.
- شابک : ISBN: 978-964-431-057-7
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.
- یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
- یادداشت : نمایه.
- موضوع : عرفان — متون قدیمی تا قرن ۱۴.
- موضوع : تصوف — متون قدیمی تا قرن ۱۴.
- موضوع : فلسفه اسلامی — متون قدیمی تا قرن ۱۴.
- شناسه افزوده : موحد، محمد علی، ۱۳۰۳- ، مترجم.
- شناسه افزوده : موحد، صمد، ۱۳۱۵-۱۴۰۲، شارح (تحلیل‌گر).
- رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۵ ۶۰۴۱ ۲ الف / ۲۸۳ BP
- رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۸۳
- شماره کتاب‌شناسی ملی : ۸۵-۲۱۹۴۸ م



کارنامهٔ فلسفه و عرفان

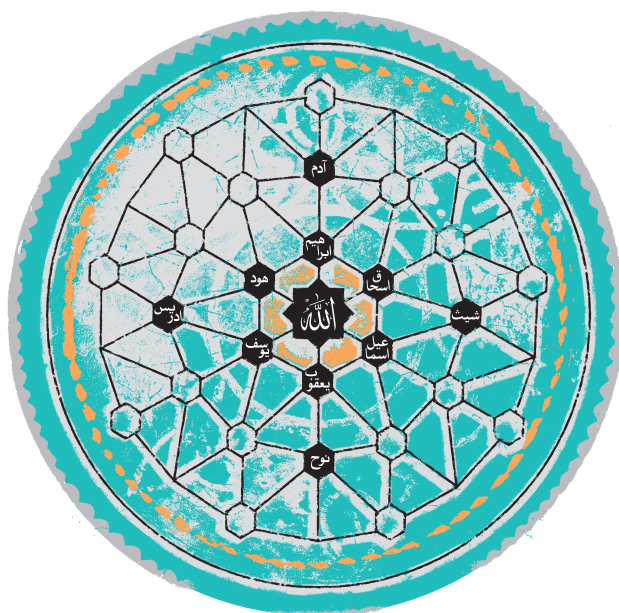


به یاد محمد زهرایی

• ۱۳۹۲-۱۳۲۸ •

بنیان‌گذار نشر کارنامه







ابن عربی



درآمد، برگردان متن، توضیح و تحلیل
محمد علی موحد • صمد موحد

تهران، ۱۴۰۳

فصول حکم ابن عربی
درآمد، برگردان متن، توضیح و تحلیل محمدعلی موحد • صمد موحد



آماده‌سازی کارگاه نشرکارنامه
واحد ویرایش مهرداد خاکزاد، مجید رنجبر، سمیه مشر
بهرز صفرزاده و حمید حسنی
تنظیم پیوست‌ها و نمایه مونا سیف
حروف چینی و صفحه‌آرایی شهلا شمس و عادل قشقایی

واحد گرافیک 12
استودیو دوازده و دوازده
عسل کاوسی و میم درخشانی

طراحی و تنظیم روی جلد حسن کریم‌زاده
نمودار فصوص و نقش‌مایه‌های آرایشی بهناز مشاطیان و انوشه صادقی آزاد
ناظر چاپ محسن حقیقی
لینوگرافی فرایند گویا
چاپ چکاد چاپ
صحافی علی

چاپ اول، ۱۳۸۵
چاپ یازدهم، ۱۴۰۳ ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً برای نشرکارنامه محفوظ است.
هرگونه استفاده از کتاب آرایشی و عناصر آرایشی این کتاب اکیداً ممنوع است، همچنین هر نوع استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن به هر صورت (چاپ، فتوکپی، کتاب صوتی و الکترونیک و نشر در فضای مجازی)، کلاً و جزئاً، ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

مراکز پخش و فروش:

پخش کارنامه، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، شماره ۱۳۵، تلفن: ۰۲۶۱۱۷۹۸۵، ۰۲۶۱۱۷۹۸۶ و ۰۹۱۲۶۴۳۹۱۵۱
فروشگاه بزرگ شهرکتاب نیاوران با همکاری نشرکارنامه، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، شماره ۱۳۷
تلفن: ۰۲۲۲۸۵۹۶۹ • فکس: ۰۲۲۸۰۸۱۹۲

نشرکارنامه: خیابان کریم‌خان زند، تقاطع میرزای شیرازی، شماره ۱۱، واحد یک، تهران: ۰۱۵۹۷۹۸۵۷۳۱، تلفن: ۸۸۹۰۴۰۸۳
www.karnamehpublish.com



فهرست

۲۷.....	• یادداشتی بر چاپ دوم
۲۹.....	❁ دیباچه: ابن عربی و ترازنامهٔ میراث فکری او
۳۳.....	بارورترین ایام زندگی ابن عربی
۳۵.....	صدرالدین قونوی
۳۷.....	کهن‌ترین شرح‌ها بر فصوص
۳۸.....	نخستین شرح فارسی
۳۹.....	واکنش‌ها در برابر ابن عربی
۴۱.....	رواج روزافزون بازار فصوص
۴۳.....	اسرار حروف و اعداد
۴۵.....	بیش‌ترین اوج ابن عربیگری در قرن نهم
۴۶.....	ظهور حروفیه و نقطویه
۴۸.....	صائن‌الدین ترکه و علم حروف
۵۰.....	تغذیهٔ داعیه‌داران از ابن عربی
۵۲.....	شاخه‌های مثبت و منفی تعالیم ابن عربی
۵۳.....	کورهٔ تافتهٔ تأویل
۵۴.....	بیزاری بزرگان تصوف از مغلق‌نویسی
۵۵.....	زبانی تنیده از رمز و ابهام
۵۷.....	مشکلات فهم فصوص
۵۹.....	جندی و زبان تکلف‌آمیز او

- جندی و ادعاهای گزاف او ۶۱
- نمونه‌ای از شرح فصوص جندی ۶۴
- وحدت وجود به روایت عطار ۶۶
- وحدت وجود به روایت ابن عربی ۶۹
- روایت نسفی ۷۱
- غنای اندیشه ابن عربی ۷۲
- تلاقی دو نگرش در عراقی و شبستری ۷۳
- ولایت و سابقه آن ۷۴
- ولایت - خلافت - حکومت ۷۵
- تقریر ابن عربی از مسئله ولایت ۷۷
- خشت زرین ولایت و خشت سیمین نبوت ۷۸
- داوری‌های آشتیانی درباره ابن عربی ۸۵
- مکاشفات ابن عربی ۸۶
- سرخوردگی فیض از ابن عربی ۸۷
- درکشاکش شور و شعور ۸۸
- نوسان در میان خشم و شیدایی ۹۰
- کشف و شهود ۹۱
- توجیه عقلانی یافته‌ها ۹۲
- توجیه شرعی یافته‌ها ۹۴
- شیوه نویسندگی ابن عربی ۹۵
- ابن عربی و تأویل قرآن ۹۹
- مسئله تأویل در قرآن و نهج البلاغه ۱۰۰
- ابن عربی و نکوهش تأویل ۱۰۱
- یک نمونه از تأویلات ابن عربی ۱۰۳
- نمونه دوم ۱۰۴
- نمونه سوم ۱۰۴
- نمونه چهارم ۱۰۵
- نمونه پنجم ۱۰۵
- باریک‌اندیشی‌های قونوی و کاشانی در اسرار بسم الله ۱۰۶
- تنوع اصطلاحات ۱۰۷
- پیامبر یا وارث؟ ۱۰۸

۱۰۹.....	پایان سخن
۱۱۲.....	پی‌نوشت‌های دیباچه
۱۲۳.....	دفتر اول: درآمد، برگردان متن، توضیحات و متن عربی
۱۲۵.....	درآمدی بر خطبه کتاب
۱۳۳.....	خطبه کتاب (برگردان متن)
۱۳۷.....	توضیحات خطبه کتاب
۱۳۷.....	۱. نازل‌کننده حکمت‌ها بر دل‌های کلمه‌ها
۱۳۸.....	۲. من نمی‌گویم جز آنچه را که به من گفته می‌شود
۱۴۱.....	درآمدی بر فصل اول
۱۴۱.....	عالم و آدم
۱۴۲.....	وحدت وجود و رابطه خلق و خالق
۱۴۴.....	دو آینه متقارن
۱۴۵.....	ذات حق و صفات و اسماء او
۱۴۶.....	اعیان ثابت
۱۴۸.....	رابطه اعیان ثابت با عالم شهود
۱۴۹.....	چگونه خدا اول است و آخر است
۱۵۰.....	وحدت و ثنویت
۱۵۱.....	مقام و منزلت آدمی
۱۵۲.....	انسان در نوسان میان خداوندی و بندگی
۱۵۲.....	ازلی و ابدی بودن انسان
۱۵۵.....	فصل حکمت الهی در کلمه آدمی (برگردان متن)
۱۶۹.....	توضیحات فصل اول
۱۶۹.....	۱. چون حق سبحانه از حیث اسماء حسناى خود
۱۷۰.....	۲. خود را به خود دیدن غیر از خود را در چیز دیگری دیدن است

۳. پس چیزی نماند جز پذیرا، و پذیرا جز از فیض اقدس او نیست ۱۷۰
 ۴. امر اقتضا کرد ۱۷۱
 ۵. انسانیت او به جهت عموم نشئه و فراگیری ۱۷۷
 ۶. اوست انسان حادث ازلی و [هم اوست] موجود بالندۀ ۱۷۷
 ۷. پس هرچه از اسماء در صور الهیه هست ۱۷۸
 ۸. آنچه ملائکه دربارهٔ آدم گفتند ۱۷۹
 ۹. امور کلی اگرچه وجود عینی ندارند ۱۸۰
 ۱۰. چون ارتباط چیزی که وجود عینی دارد و آنچه وجود عینی ۱۸۱
 ۱۱. و شکی نیست که حدوث حادث و نیازمندی آن به محدثی ۱۸۲
 ۱۲. و او را به هر وصفی که خواندیم خود آن وصف ما بودیم ۱۸۲
 ۱۳. و چون او را به خود و از خود شناختیم ۱۸۳
 ۱۴. این جا فارقی هست که مایۀ تمایز اشخاص از یک دیگر است ۱۸۳
 ۱۵. و بدین گونه درست شد برای او ازلیت و قدمتی که ۱۸۳
 ۱۶. پس از این دو صفت به دو دست تعبیر فرمود ۱۸۴
 ۱۷. عالم پیداست و خلیفه نهان ۱۸۴
 ۱۸. و حق همیشه از این حیث غیر معلوم و ۱۸۵
 ۱۹. پس خداوند این صفت ها را در میان دو دست خود ۱۸۵
 ۲۰. صورت عالم و صورت حق در آدم جمع شد ۱۸۵
 ۲۱. صورت ظاهر انسان را خداوند از حقایق و صورت های عالم کرد ۱۸۵
 ۲۲. و اگر صورت حق در موجودات ساری نبود ۱۸۶
 ۲۳. و اگر یاد کنی بی نیازی را که نیازمندی ندارد ۱۸۶
 ۲۴. پس آدم هم حق است و هم خلق است ۱۸۷
 ۲۵. پس آدم همان «نفس واحده» است ۱۸۷
 ۲۶. و آن [ودیعه] را در دو قبضه خویش قرار داد ۱۸۸
 ۲۷. و فصّ هر حکمت کلمه ای است که آن حکمت منسوب بدوست ۱۸۹
-
- درآمدی بر فصّ دوم ۱۹۱
 - تجلی ذاتی و تجلی اسمائی ۱۹۱
 - شیث رمز رحمت و بخشش های وجود ۱۹۳
 - بخشش در برابر خواهش ۱۹۴
 - بخشش در خور استعداد ۱۹۴

- خاتم اولیاء و خاتم انبیاء ۱۹۵
- دو خشت زرین و سیمین ۱۹۶
- آخرین فرد انسانی ۱۹۸
- فَصِّ حِکْمَتِ دَمِ الهی در کلمه شیشی (برگردان متن) ۲۰۱
- توضیحات فصّ دوم ۲۱۵
۱. بدان که عطایا [و بخشش‌ها] بی که در جهان به دست مردم ۲۱۵
 ۲. انسان عجول آفریده شده است ۲۱۵
 ۳. و خواهش ایشان از باب احتیاط است ۲۱۶
 ۴. پس نهایت [درجه] اهل حضور، که چنین علمی را ندارند ۲۱۶
 ۵. و از این گروه هستند ۲۱۶
 ۶. مراد از اجابت برآورده شدن خواهش است ۲۱۷
 ۷. اما قسم دوم ۲۱۷
 ۸. داد حق بر حسب علمی است که عین خود او به حق داده ۲۱۸
 ۹. پس همین قدر گوئیم که ۲۱۸
 ۱۰. و غایت اهل تنزیه آن است که ۲۱۹
 ۱۱. بنده جز صورت خود در آینه حق نمی بیند ۲۱۹
 ۱۲. و این را در فتوحات مکیه بیان کرده ایم ۲۲۰
 ۱۳. و اگر این نکته را دریافتی ۲۲۰
 ۱۴. هیچ یک از انبیاء و مرسلین حق را نمی بیند مگر از مشکات ۲۲۰
 ۱۵. رشته ولایت هرگز قطع نمی شود ۲۲۲
 ۱۶. و چون پیغمبر نبوت را به دیواری از خشت مانده کرد ۲۲۳
 ۱۷. خاتم اولیاء در باطن به جای خشت زرین است ۲۲۳
 ۱۸. «کُنْتُ نَبِیًّا وَ آدَمُ ...» ۲۲۳
 ۱۹. و خاتم اولیاء ولیّ وارث است که [بی واسطه] از اصل فرامی گیرد ۲۲۴
 ۲۰. پیشوای جماعت و سید فرزندان آدم در گشودن باب شفاعت ۲۲۵
 ۲۱. اما بخشش‌های اسمائی ۲۲۵
 ۲۲. گاهی عطا از خدا ۲۲۶
 ۲۳. و نام‌های خدا نامتناهی است ۲۲۷
 ۲۴. و این علم از آن شیت علیه السلام بود ۲۲۷

- ۲۲۸..... چنان که [صورت] بزرگ
- ۲۲۹..... چون نزد آنان ثابت است که خداوند «فَعَالٌ لِّمَا يَشَاءُ» است
- ۲۳۰..... و به قدم شیث خواهد بود
- ۲۳۳..... درآمدی بر فصّ سوم
- ۲۳۳..... طرح مسئله
- ۲۳۳..... برداشت‌های مختلف از قرآن کریم
- ۲۳۵..... تنزیه و تشبیه یا اطلاق و تقیید
- ۲۳۶..... دوگانگی زبان وحی
- ۲۳۷..... جمع میان تنزیه و تشبیه
- ۲۳۹..... از دعوت نوح تا دعوت محمد
- ۲۴۰..... خلاصه کلام
- ۲۴۳..... فصّ حکمتِ سبّوحی در کلمه نوحی (برگردان متن)
- ۲۵۹..... توضیحات فصّ سوم
- ۲۵۹..... ۱. تنزیه به نزد اهل تحقیق
- ۲۶۰..... ۲. زبان شرایع الهیه
- ۲۶۰..... ۳. حق را در هر خلق ظهوری [ویژه] است
- ۲۶۱..... ۴. همان گونه که در حدّ انسان
- ۲۶۱..... ۵. و حد شامل ظاهر و باطن تومی شود
- ۲۶۱..... ۶. یعنی عاقبت ثنا بدو باز می‌گردد
- ۲۶۲..... ۷. هر کس که دوگانه گوید
- ۲۶۲..... ۸. و خداوند فرمود: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»
- ۲۶۳..... ۹. نوح آنان را آشکارا دعوت کرد و آنگاه نهانی دعوت کرد
- ۲۶۳..... ۱۰. نوح گفت: پروردگارا قوم خود را دعوت کردم شب و روز و
- ۲۶۴..... ۱۱. دانستند که او به زبان نکوهش به ستایش قوم خود پرداخته
- ۲۶۴..... ۱۲. دعوت او فرقان بود و حال آن که
- ۲۶۵..... ۱۳. و نوح قوم خود را دعوت کرد
- ۲۶۶..... ۱۴. دعوت او شب در روز و روز در شب بود
- ۲۶۶..... ۱۵. نوح در حکمت خویش به قوم خود فرمود
- ۲۶۷..... ۱۶. و از همین روی مردم به دو گروه

۱۷. [و باز فرمود] «وَوَلَدُهُ» ۲۶۸
۱۸. و آن درباره محمدیان است که ۲۶۸
۱۹. و درباره نوح (نوحیان) [فرمود] ۲۶۹
۲۰. «وَوَلَدُهُ» ۲۷۲
۲۱. [آنجا که گفت] «عَلَىٰ بَصِيرَةٍ» ۲۷۲
۲۲. آنگاه [داعی] محمدی آمد ۲۷۳
۲۳. پس در [مقام] مکر گفتند ۲۷۴
۲۴. درباره محمدیان [فرمود] ۲۷۵
۲۵. و از این روی فرمود: «قُلْ سَمَوْهُمْ» ۲۷۵
۲۶. و برترین [درجه پرستندگان] آن است که ۲۷۶
۲۷. و پرستنده برتر دانا گوید ۲۷۶
۲۸. «وَوَلَدُهُ» ۲۷۷
۲۹. «كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا» ۲۷۸
۳۰. «مِمَّا خَطَبَاتِهِمْ» ۲۷۹
۳۱. «قَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي» ۲۷۹
۳۲. «إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ — يُضِلُّوا عِبَادَكَ» ۲۸۰
۳۳. «رَبِّ اغْفِرْ لِي» ۲۸۱
۳۴. و هرکس بخواهد بر اسرار ۲۸۲
- درآمدی بر فصل چهارم ۲۸۵
- ادریس و جایگاه او ۲۸۵
- عُلُوُّ ذاتی یا نسبی ۲۸۶
- عُلُوُّ مکانی و عُلُوُّ مکانتی ۲۸۶
- او نه اوست و تو نه تویی ۲۸۷
- نمود وحدت در عالم اضداد ۲۸۸
- وحدت در عالم نفوس ۲۸۹
- وحدت در عالم طبیعت ۲۹۰
- وحدت در عالم اسماء ۲۹۱
- الیاس و ادريس ۲۹۱
- فصل حکمت قدوسی در کلمه ادريسی (برگردان متن) ۲۹۵

توضیحات فصّ چهارم.....	۳۰۵
۱. بالاترین جاها مکانی است که.....	۳۰۵
۲. خدا متعالی از مکان است نه از مکانیت.....	۳۰۵
۳. و چون نفوس عمل کنندگان.....	۳۰۵
۴. و از شگفت‌ترین امور.....	۳۰۶
۵. آن‌جا که فرمود: «وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا».....	۳۰۷
۶. این بالایی در برابر کیست.....	۳۰۸
۷. و عین یکی است از مجموع در مجموع.....	۳۰۸
۸. خراز رحمه‌الله تعالی گفت.....	۳۰۹
۹. پس چون آشکار گوید: منم.....	۳۱۰
۱۰. با ظهور واحد در مراتب معلومه اعداد پیدا شد.....	۳۱۱
۱۱. و اگرچه [مراتب اعداد] یکی است.....	۳۱۱
۱۲. و بدین‌گونه تواتبات می‌کنی عین چیزی را که.....	۳۱۲
۱۳. و هرکس بداند آنچه را که دربارهٔ اعداد تقریر کردیم.....	۳۱۲
۱۴. پس طبیعت کیست.....	۳۱۳
۱۵. اگرچه در [مقام] فزونی علم باشد.....	۳۱۳
۱۶. جمع کن و تفریق کن.....	۳۱۴
۱۷. خواه آن وصف به لحاظ عرف و عقل و شرع.....	۳۱۴
۱۸. اما غیرمسمی به [اسم] خاص الله.....	۳۱۴
۱۹. و ابوالقاسم بن قسّی.....	۳۱۵
درآمدی بر فصّ پنجم.....	۳۱۷
معنی خلیل.....	۳۱۷
اعتباری بودن خوب و بد صفات.....	۳۱۸
سریان صفات حق در انسان کامل.....	۳۱۸
وابستگی حق به خلق.....	۳۱۹
خدای عارف و خدای فیلسوف.....	۳۲۰
مراتب معرفت.....	۳۲۱
هدایت و ضلالت.....	۳۲۲
توقف علم بر معلوم.....	۳۲۲
شخصیت ابراهیم.....	۳۲۳

۳۲۴.....	نماد یکتاپرستی و اسلام
۳۲۷.....	فَصِّ حِکْمَتِ شیدایی در کلمهٔ ابراهیمی (برگردان متن)
۳۳۵.....	توضیحات فصّ پنجم
۳۳۵.....	۱. خلیل را خلیل گفتند به سبب تخلل
۳۳۵.....	۲. و هر حکمی از آن صحیح است
۳۳۷.....	۳. بدان که چیزی در چیزی دیگر سریان نمی‌یابد
۳۳۷.....	۴. اگر ذات از این نسبت‌ها فارغ گردد خدا (اله) خوانده نمی‌شود
۳۳۸.....	۵. بعضی از حکما و ابوحامد
۳۳۹.....	۶. اما اگر بگویی پس چیست فایدهٔ آن که گفت «فَلَوْ شَاءَ لَهْدِيكُمْ»
۳۴۰.....	۷. همین‌طور است [کلمه] «إِنْ يَشَاءُ»
۳۴۱.....	۸. اما خطاب الهی بر حسب قرارداد
۳۴۱.....	۹. و این آن‌جاست که وجودی برای تو ثابت باشد
۳۴۲.....	۱۰. امر از اوست بر تو، و از تو بر او
۳۴۳.....	۱۱. مرا می‌ستاید
۳۴۳.....	۱۲. و حق مرا از این روی آفرید
۳۴۴.....	۱۳. ابن‌المسرّه او را با میکائیل [موکل ارزاق] شریک دانسته
۳۴۵.....	۱۴. او را نیست جز وجود (ایجاد) من
۳۴۷.....	درآمدی بر فصّ ششم
۳۴۷.....	ارتباط این فص با دو فصّ قبلی
۳۴۸.....	قربانی حق اسحاق بود یا اسماعیل؟
۳۵۰.....	برابری موجودات در هویت وجود
۳۵۱.....	آزمون ابراهیم
۳۵۲.....	تأملی در عالم رؤیا
۳۵۳.....	کلام پیغمبر تأویل ندارد
۳۵۵.....	عالم رمز و نماد
۳۵۶.....	حضرت خیال
۳۵۷.....	کشف مجرد و کشف مخیل
۳۵۷.....	مرز میان معلوم و مجهول

۳۵۸.....	خلاقیت خیال
۳۵۹.....	اراده حق و همت عارف
۳۶۰.....	معانی دوگانه همت
۳۶۰.....	بازگشت به رابطه حق و خلق
۳۶۱.....	عبودیت - ربوبیت
۳۶۳.....	فصل حکمت حق در کلمه اسحاقی (برگردان متن)
۳۷۳.....	توضیحات فصل ششم
۳۷۳.....	۱. [آیا آن جا که] خداوند عظیم قربانی گوسپند را تعظیم کرد
۳۷۳.....	۲. آیا نمی دانی که امر در آن مرتب است
۳۷۵.....	۳. منزل احسان
۳۷۶.....	۴. گندم در زمین کوران میاش
۳۷۶.....	۵. به ابوبکر درباره تعبیر رؤیا
۳۷۷.....	۶. و از این جاست که عزیز [مصر] گفت
۳۷۷.....	۷. اگر حرف او درباره رؤیا راست بود
۳۷۸.....	۸. آنگاه فرمود: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ»
۳۷۸.....	۹. چنان که امام تقی بن مخلد
۳۷۹.....	۱۰. معلوم است که صورت [ظاهر] پیغمبر
۳۸۰.....	۱۱. و چون رؤیا را این دو وجه است
۳۸۱.....	۱۲. واحد رحمان را در هر موطن
۳۸۲.....	۱۳. ای آفریننده اشیاء در نفس خود
۳۸۲.....	۱۴. آدمی به وهم خود در نیروی خیال
۳۸۳.....	۱۵. اگر عارف از حضرتی یا حضراتی غافل گردد
۳۸۳.....	۱۶. و آنچه را که گفتیم نمی فهمد مگر
۳۸۴.....	۱۷. اگر عبد باشد
۳۸۷.....	درآمدی بر فصل هفتم
۳۸۸.....	صلح و صفا در میان رب و مربوب
۳۸۹.....	سر ربوبیت
۳۸۹.....	تمایز میان اعیان و اسماء

۳۹۱.....	وعد در برابر وعید
۳۹۲.....	جاودانگی عذاب
۳۹۳.....	عذاب عذاب است
۳۹۷.....	فَصِّ حِکْمَتِ عَلَیْهِ دِرْکَلْمَةُ اِسْمَاعِیْلِ (برگردان متن)
۴۰۵.....	توضیحات فصّ هفتم
۴۰۵.....	۱. بدان که آنچه خدا (الله) نامیده می‌شود.....
۴۰۶.....	۲. سعید کسی است که ربّ او از او راضی باشد.....
۴۰۶.....	۳. زیرا که او ربوبیت را از کلّ [اسماء] گرفته.....
۴۰۷.....	۴. به همین جهت اهل‌الله تجلی در احدیت را مردود دانسته‌اند.....
۴۰۷.....	۵. مگر همه آنچه به وسیله او ظاهر می‌شود.....
۴۰۸.....	۶. برتری اسماعیل از دیگر اعیان به این صفت.....
۴۰۸.....	۷. پس [امر می‌شود که] درآی.....
۴۰۹.....	۸. و چون به جنت او درآیی، در نفس خود درمی‌آیی.....
۴۱۰.....	۹. پس تو بنده‌ای، و تو ربی.....
۴۱۰.....	۱۰. و هر عقدی را شخصی است.....
۴۱۱.....	۱۱. دو حضرت (عبودیت و ربوبیت) در این جا روبه‌رو نشستند.....
۴۱۲.....	۱۲. از جهل برخی اعیان موجودات به آنچه عالم (اهل تحقیق).....
۴۱۳.....	۱۳. نگاه مکن در حق، و او را.....
۴۱۳.....	۱۴. وحی که بر تو القاء می‌شود.....
۴۱۴.....	۱۵. ثنا برای صدق وعد است.....
۴۱۵.....	۱۶. و امکان [وعید] در حق حق از میان برخاست.....
۴۱۷.....	درآمدی بر فصّ هشتم
۴۱۷.....	حکمت روح یا رُوح
۴۱۸.....	بحثی درمعانی دین
۴۲۰.....	تفکیک دین از شرع
۴۲۰.....	دین، جزا، عادت
۴۲۱.....	چه جای شکر و شکایت
۴۲۲.....	راز سرنوشت

۴۲۲..... تفاوت امر و اراده حق

۴۲۵..... فصّ حکمتِ روحی در کلمه یعقوبی (برگردان متن)

۴۳۵..... توضیحات فصّ هشتم

۱. دین دو است..... ۴۳۵

۲. اسماء الهی را هم افعال خداوند ثابت می‌کند..... ۴۳۶

۳. و فرمود: «فما رَعَوْهَا»..... ۴۳۶

۴. اما سرّ و باطن آن..... ۴۳۸

۵. سرّی دیگر و بالاتر..... ۴۳۹

۶. از اسرار قدر است که حکم آن بر خلاق جاری است..... ۴۴۰

۷. پس بنگر که این چه شگفتی است..... ۴۴۱

۸. پیامبر و وارث خادم امر الهی به اراده [حق] است..... ۴۴۲

۴۴۳..... در آمدی بر فصّ نهم

مناسبت‌های فص..... ۴۴۵

زندگی به مثابه خواب..... ۴۴۵

خیال مطلق و خیال مقید..... ۴۴۶

حضرات پنج‌گانه وجود..... ۴۴۶

نور وسیله ادراک..... ۴۴۸

عالم موهوم..... ۴۴۸

علم تأویل..... ۴۴۹

۴۵۱..... فصّ حکمتِ نوری در کلمه یوسفی (برگردان متن)

۴۶۳..... توضیحات فصّ نهم

۱. که خود عین کید بود..... ۴۶۳

۲. و من در این باره به لسان یوسف محمدی..... ۴۶۴

۳. اما ادراک به اسم نور واقع شد..... ۴۶۴

۴. همچنین است اعیان ممکنات که نورانی نیستند..... ۴۶۵

۵. با این همه عین سایه موجود است..... ۴۶۵

۶. وجود حقیقی «الله» است به اعتبار عین و ذات ۴۶۶
۷. هرچه در [عالم] وجود است احدیت بر آن دلالت دارد ۴۶۷
۸. حق همان بی نیازی ذات از نسبت اسماست ۴۶۷
۹. «اللَّهُ الصَّمَدُ» (خدا صمد است) ۴۶۸
۱۰. «لَمْ يَلِدْ» (نژاد) از حیث هویت او و ما ۴۶۸
۱۱. و کثرت با نعوتی که معلوم ماست به ظهور پیوست ۴۶۹
۱۲. نَسَبِ حق همین سوره اخلاص است ۴۶۹
۱۳. حق سایه ها را به وجود آورد ۴۷۰
۱۴. و همین طور است اتصاف عالم به بی نیازی ۴۷۰
۱۵. نیاز عالم به اسباب بلاشک نیازی ذاتی است ۴۷۰
۱۶. اسماء الهی هراسمی است که عالم نیازمند آن است ۴۷۱
- درآمدی بر فصل دهم ۴۷۳
- حکمت احدیت ۴۷۳
- احدیت ذاتی ۴۷۴
- احدیت الهی ۴۷۴
- احدیت ربوبی ۴۷۴
- رب الارباب یا الله ۴۷۵
- همه موجودات در صراط مستقیم اند ۴۷۵
- جمع بندی در فصل هود ۴۷۷
- حرف آخر در وحدت وجود ۴۷۹
- فتوای جسورانه ابن عربی ۴۸۰
- فصل حکمت احدی در کلمه هودی (برگردان متن) ۴۸۳
- توضیحات فصل دهم ۴۹۹
۱. مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ۴۹۹
۲. اگر خلق بر تو گردن نهاده اند ۵۰۰
۳. و هیچ آفریده ای نمی بینی که ۵۰۰
۴. بدان که علوم الهی ذوقی ۵۰۱
۵. و این حکمت از علم خاص پاهاست ۵۰۱

۶. «وَنَسُوףُ الْمُجْرِمِينَ»..... ۵۰۲
۷. خداوند این مقام ذوقی لذیذ را از جهت منت بر آنان..... ۵۰۳
۸. نمی‌بینی که عاد، قوم هود، چگونه گفتند..... ۵۰۴
۹. پس عذاب به سروقت آنان..... ۵۰۶
۱۰. و مراد از خانه‌ها اجساد آنان است..... ۵۰۶
۱۱. و نصّ الهی بر همه آنچه گفتیم وارد شده است..... ۵۰۷
۱۲. و از غیرت بود که زشتی‌ها (فواحش) را حرام گردانید..... ۵۰۸
۱۳. و بدان که چون حق مرا آگاه گردانید..... ۵۰۹
۱۴. و چون دورتر را که محدود به حد است گفت..... ۵۱۰
۱۵. و ما در هیچ آیه‌ای..... ۵۱۰
۱۶. او از من تغذیه می‌کند... و ما با او مقابله می‌کنیم... ۵۱۱
۱۷. و به جهت این اندوه بود که..... ۵۱۲
۱۸. کجایند متقیان..... ۵۱۳
۱۹. و اگر تحدید حق تعالی درست نبود..... ۵۱۴
۲۰. و من سبب و موجب آن را با تو گفته‌ام..... ۵۱۴
۲۱. همه در عقیده خود بر صواب‌اند..... ۵۱۵
۲۲. اهل الله که مورد عنایت حق‌اند در دار دنیا گاهی بیمار می‌شوند..... ۵۱۵

- فُصُوصُ الْحِكْمِ (متن عربی)..... ۵۱۷
- خطبة الكتاب..... ۵۱۹
- فَصُّ حِكْمَةِ الْهَيْئَةِ فِي كَلِمَةِ آدَمِيَّةٍ..... ۵۲۱
- فَصُّ حِكْمَةِ نَفْثِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ شَيْثِيَّةٍ..... ۵۲۳
- فَصُّ حِكْمَةِ سُبُوحِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ نُوحِيَّةٍ..... ۵۴۵
- فَصُّ حِكْمَةِ قُدُوسِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ اِذْرِيسِيَّةٍ..... ۵۵۵
- فَصُّ حِكْمَةِ مُهَيِّمِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ اِئْرَاهِمِيَّةٍ..... ۵۶۳
- فَصُّ حِكْمَةِ حَقِّيَّةٍ فِي كَلِمَةِ اِسْحَاقِيَّةٍ..... ۵۶۹
- فَصُّ حِكْمَةِ عَلِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ اِسْمَاعِيلِيَّةٍ..... ۵۷۷
- فَصُّ حِكْمَةِ رُوحِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ يَعْقُوبِيَّةٍ..... ۵۸۳
- فَصُّ حِكْمَةِ نُورِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ يَوْسُفِيَّةٍ..... ۵۸۹
- فَصُّ حِكْمَةِ اُحْدِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ هُودِيَّةٍ..... ۵۹۹

دفتر دوم: تحلیل فصوص..... ۶۱۱

۶۱۳.....	تحلیل فصّ اول: کلمه آدمی
۶۲۵.....	تحلیل فصّ دوم: کلمه شیشی
۶۳۷.....	تحلیل فصّ سوم: کلمه نوحی
۶۴۵.....	تحلیل فصّ چهارم: کلمه ادیسی
۶۵۳.....	تحلیل فصّ پنجم: کلمه ابراهیمی
۶۵۹.....	تحلیل فصّ ششم: کلمه اسحاقی
۶۶۷.....	تحلیل فصّ هفتم: کلمه اسماعیلی
۶۷۷.....	تحلیل فصّ هشتم: کلمه یعقوبی
۶۸۷.....	تحلیل فصّ نهم: کلمه یوسفی
۷۰۵.....	تحلیل فصّ دهم: کلمه هودی
۷۱۹.....	پی‌نوشت‌های تحلیل فصوص
۷۲۳.....	گزارش شب ابن عربی (خانه هنرمندان، ۸ خرداد ۱۳۸۶)
۷۲۵.....	ابن عربی و فصوص‌الحکم، نصرالله پورجوادی
۷۳۷.....	ویژگی‌های ترجمه جدید فصوص‌الحکم، ...، مصطفی ملکیان
۷۵۱.....	ابن عربی و فصوص‌الحکم او، محمدعلی موحد
۷۵۵.....	نمایه

یادداشتی بر چاپ دوم

این یادداشتی است که به یاد شب ابن عربی در خانه هنرمندان و سخنرانی‌های استادان نصرالله پورجوادی و مصطفی ملکیان در آن شب، و به مناسبت چاپ دوم ترجمه و شرح فصوص الحکم در قلم آمده است.

کمتر کتابی را چنین دولتی دست داده است. این جمله کوتاه که در پایان شب ابن عربی در صحبت با یکی از دوستان بر زبان من جاری شد ترجمان فشرده احساسی بود که من از آن مراسم داشتم. آن گردهمایی که به همت و پشتکار دوستان علی دهباشی سردبیر مجله بخارا در خانه هنرمندان برگزار شد یک اتفاق کم نظیر بود. شب مبارکی بود. تالار سخنرانی مملو بود از شیفتگان فضل و کمال از اهل جد و تفکر، مستمعانی مشتاق و سخنرانانی توانا و وارد و مسلط بر موضوع بحث، و کتابی که خلاصه و زبده اندیشه‌های موج و حیرت آفرین نامورترین پهلوان میدان عرفان نظری در جهان اسلام است. گفتم: «نامورترین» و می‌دانم که مولانایی هم داریم که صیت او عالم گیر است. اما من حساب مولانا را جدا می‌گیرم. مولانا در افق اعلی است.

دو سخنرانی که با قدم خود مجلس را مباحی و مفتخر کرده بودند نه از زمره نقالان و حکایت‌گویان، بلکه صاحب نظرانی بودند که سال‌ها در اقلیم عرفان و معنویت به قدم صدق و اخلاص طی طریق کرده‌اند. مجلسی بود با یک حال و هوای علمی، پیراسته از تکرارها و اغراق‌ها و منزله از نان به یکدیگر قرض دادن‌ها. مقاله دکتر پورجوادی درباره اصطلاحات متصوفه که در سخنرانی خود به آن اشارت داشتند یک نمونه عالی نقد عالمانه و روشمند است. آن مقاله در صفحات ۱۵۸ تا ۲۱۲ از مجموعه پژوهش‌های عرفانی (نشر نی، ۱۳۸۵) به چاپ

رسیده است. اهل تحقیق باید به سراغ اصل مقاله بروند و سرتاپای آن را بادقت و تأمل در مطالعه گیرند. برآستی هریازده مقاله که در آن مجموعه گرد آمده است در خور چنین توجه و اهتمامی است.

اما استاد کلّ فی الكلّ ملکیان اعجوبه زمان است. اودر هیچ بحثی وارد نمی شود الاّ این که حقّ آن را چنان که باید ادا کند و از هیچ مقوله ای دم نمی زند الاّ این که چراغی فرا راه ارباب تحقیق برافروزد. محضراو محضر نور و علم و برکت است و من بردانشجویانی که سعادت درک فیض درس های ایشان را دارند حسد می برم.

نشر این کتاب و بیانات آن دو بزرگوار در شبی که ذکرش رفت فتح باب جدیدی در شناخت آرا و اندیشه های ابن عربی بود. من از آقای دهباشی می خواهم که اکرام را به اتمام برساند و متن بیانات آن دو استاد را پس از پیاده کردن از نواری — و البته مشروط به بازبینی و تجویز خود استادان — در یکی از شماره های بخارا چاپ کند. کتاب گران قدر فصوص که تاکنون در نهان خانه های گوشه و کنار حوزه های علمیه محصور افتاده بود اینک جلوه ای دیگر گرفته و قرائتی نو با نگرشی روشن تر طلب می کند.

همه عرفان پژوهان باید سپاس گزار محمد زهرایی باشند که کتاب را با علاقه و ابرامی عاشقانه در کسوتی چنان پاکیزه و دلپذیر و در طرازی چندان بدیع و بی همتا عرضه کرده است.

من نیز که به مناسبت چاپ دوم کتاب قلم به دست گرفته ام فرصت را برای ادای دین مغتنم می شمرم و یادداشت خود را با سپاس از او و همکاران بسیار عزیز او در نشر کارنامه به پایان می برم.